

سند تجزیه عربستان تا 13 سال دیگر



یک تئوری در قالب موسسه ساینس پیکو یا یک نقشه انگلیسی وجود دارد که پروژه جدایی تقسیم کشورها با هدف کوچک کردن کشورهای منطقه بمنظور سلطه کامل بر آن‌ها را در دستور کار خود قرار داده است. این پروژه 40 سال پیش طراحی شده و بنا دارد در چشم انداز 2030 عربستان را به چهار بخش تجزیه کند.

به گزارش آران نیوز: بعداز وقوع مناقشات دامنه دار میان کشور قطر و همسایگان حاشیه جنوب خلیج فارس به سردمداری عربستان سعودی، بر آن شدیم تا با دعوت از «عبدالله سهرابی» سفیر اسبق تهران در دوحه به چرایی و واکاوی موضوع بپردازیم. گفتنی است سهرابی بجز حضور در دستگاه دیپلماسی کشورمان در لباس یک سفیر، سرپرستی کنسولگری جمهوری اسلامی ایران در جده را به عهده داشته است. بعلاوه وی سابقه استانداری استان مرکزی را در کارنامه خود دارد. با توجه به حضور چند ساله شما در عربستان و شناخت از خاندان آل سعود لطفا قدری از حلقه اصلی حاکمیتی این خاندان و پشت پرده سعودی‌ها برای ما بگویید.

ابتدا می‌خواستم به تاریخچه کوتاهی از پیدایش وهابیت در خاستگاه خود یعنی عربستان اشاره داشته باشم. در حدود 180 سال پیش یک جاسوس انگلیسی بنام مستر همفر با هدف ایجاد رخنه در فضای اسلامی کشورهای منطقه خلیج فارس توسط سرویس‌های جاسوسی انگلیس به کار گرفته شد. بر اساس اطلاعاتی که داریم وی در حین ماموریت سفری به ایران و عراق هم داشته و نهایتاً در عربستان مستقر می‌شود.

همفر در مدت حضور خود در عربستان، نزد یک مغازه نجاری به شاگردی مشغول می‌شود. سپس با آشنایی با فردی مقید و متدین بنام محمدبن عبدالوهاب (پایه گذار مسلک ضاله وهابیت) جریان فکر وی را به جایی برد که با وجود مسلمان و معتقد بودن وسط ماه مبارک رمضان سفره پهن می‌کند و غذا می‌خورد. از همین جا بود که پایه انحراف اسلام در عربستان بنا گذاشته شد و شبکه وهابی آل سعود شکل گرفت.

در طول بیش از 180 سال گذشته شبه جزیره عربستان بصورت موروثی اداره شده است. به این معنا که بین برادران فهد- عبدالله- مقرن عبدالعزيز و ملک سلمان فعلی تقسیم شد که در حال حاضر تنها دوتن از این خاندان باقی مانده است.

نگاهی به حاکمیت سعودی‌ها نشان می‌دهد، محدودیت‌ها و تنگناهای سیاسی امنیتی حاکم بر جامعه عربستان موجی از نفرت نهفته را بین مردم نسبت به دستگاه حاکمیتی آل سعود بوجود آورده است.

بنده در مدت ماموریت خود با سمت سرپرست کنسولگری تهران در جده و زمانی که در بعثه مقام معظم رهبری در امور حج مسئولیت داشتم از نزدیک با جریان‌های فکری خاندان سعودی آشنا بودم.

یک مکتب فکری سنتی متدین در اهل سنت عربستان وجود دارند که بسیار مقید خونگرم و همراه مسلمین هستند و تقریباً تاریخ صدر اسلام را با خود به همراه دارند و در کل چهره آن‌ها به لحاظ مومن بودن نورانیت خاصی دارند. این افراد عمدتاً از تیره مکاوی‌ها (کسانی که در مکه به دنیا آمده‌اند) هستند.

این جریان فکری تا چه میزان مورد وثوق دستگاه حاکمیتی سعودی‌هاست؟

اگر به مکه مشرف شوید خواهید دید آنها روزهای دوشنبه و پنج‌شنبه هر مقطع زمانی روزه بوده و موقع افطار در مسجدالحرام سفره پهن کرده و به افطار و سپس نماز مشغول می‌شوند. اتفاقاً همین قوم هنوز تا حدودی پایه های لرزان حکومت عربستان را نگه داشته است.

مدیریت اجرایی حرمین در دستان بن لادن؟!

موضوع مدیریت حرمین شریفین از جمله مسایلی که خاندان سعودی همیشه به آن افتخار کرده و در محافل خود را بنام خادم‌الحرمین یاد می‌کنند. باید بدانید که مدیریت اجرایی مهندسی حرمین به عهده شرکتی تحت عنوان بن لادن است (برادر سرکرده مخلوع القاعده). وی از مشاوران ارشد فهد پادشاه پیشین عربستان محسوب می‌گردد که با روی کار آمدن محمدبن سلمان اختلافات اقتصادی، سیاسی بین این دو بالا گرفت و بر سر اجرای پروژه‌های حرمین با هم در تعارض شدید بودند.

پیچ و مهره پایه های جرثقیل حرمین را باز کرده بودند

اصلی ترین دلیل سقوط تاورکربن (جرثقیل برجی) در مسجدالحرام بر سر حجاج بی گناه اختلاف میان بن لادن و محمدبن سلمان بود. در آن مقطع که فاجعه منا هم رخ داد بنده در آنجا حضور داشتم که گزارش شده بود حقیر هم جز شهدای منا هستم اما خوب سعادت شهادت نصیب ما نشد.

در خصوص سقوط جرثقیل‌های مسجدالحرام باید اضافه کنم، بعدها یک شرکت روسی فاش کرد دعوای حقوقی شرکت بن لادن و شرکت‌های عمرانی محمد بن سلمان باعث سقوط این بالابرهای عظیم الجثه روی میهمانان خانه خدا شده است. به این ترتیب که اتصالات پایه جرثقیل‌ها بمنظور خروج از محوطه حرمین از قبل باز شده بود که با وزش بادی تند آن حادثه دلخراش متأسفانه به وقوع پیوست و هنوز هم که هنوز است دامن ننگین آل سعود را رها نمی‌کند.

در حال حاضر مدیریت اصلی حرمین در دست چه کسانی است؟

همچنان متولی اصلی حرمین شرفین در اختیار سادات مکه است. نسب این سادات به آل هاشمی قریشی برمی گردد. لازم به ذکر است نسل ملک حسین اردنی هم به این تیره منسوب است.

سند تجزیه عربستان تا 13 سال دیگر

آینده آل سعود را با چنین وضعیت بحرانی چطور ارزیابی می کنید؟

یک تئوری در قالب موسسه ساینس پیکو یا یک نقشه انگلیسی وجود دارد که پروژه جدایی تقسیم کشورها با هدف کوچک کردن کشورهای منطقه بمنظور سلطه کامل بر آنها را در دستور کار خود قرار داده است. این پروژه 40 سال پیش طراحی شده و بنا دارد در چشم انداز 2030 عربستان را به چهار بخش تجزیه کند.

فرمول تقسیم عربستان به این ترتیب است: حرمین شریفین یک بخش مستقل، که مدیریت آن را در اختیار شرفای مکه قرار دهند- اعراب بادیه نشین و بدوی یک بخش دیگر مراکز نفتی هم در یک حوزه مجزا و دسته آخر در این تقسیم بندی، شیعیان عربستان در قطیف و احسا و دمام به یک جماعتی کوچک تبدیل می گردند. همانطور که بارها بنده در مصاحبه های گوناگون عرض کردم تقسیم عربستان به چهار بخش کوچک از استراتژی های کلان و بلند مدت انگلیسی ها در منطقه و اینکه چه زمانی محقق شود تا بعد از تحولات میدانی در غرب آسیا و کشور عربستان خواهد بود.

آیا ردپایی از آمریکا در این غائله دیده می شود؟

سوال خوبی بود، ملاحظه کنید فعلا ما نشانه هایی دال بر فعالیت آمریکایی ها برای تجزیه عربستان شاهد نیستیم. اما این را هم بگویم در استراتژی سیاست خارجی ایالات متحده برای سال 2030 یک گزارش 120 صفحه ای گردآوری شده که 40 صفحه آن با مباحث خاورمیانه و غرب آسیا در ارتباط است.

در آنجا تحلیلگران پیش بینی کرده اند نظر به رخدادهای منطقه تا 13 سال آینده یعنی سال 2030 تمامیت ارضی عربستان سعودی تجزیه خواهد شد. به هر جهت طبق شواهد و مستندات آل سعود رو به اضمحلال بوده و در نهایت پیروز میدان جمهوری اسلامی ایران خواهد بود.

سقوط آل سعود در سیر صعودی

بعد از انفجار پایگاه نظامی آمریکا در طهران عربستان در ژوئن 1996، ایالات متحده بیش از گذشته احساس کرد دیگر دوران تسلط سعودی ها برای مدیریت جهان اسلام به سر آمده و وجود جمهوری اسلامی ایران بعنوان یک حکومت مذهبی مستقل غیر وابسته به غرب با شکل گیری در منطقه تمام معادلات را به نفع دنیای اسلام بهم زده است.

آمریکا پایگاه نظامی خود را از طهران عربستان به دو بخش ناوگان پنجم دریایی در بحرین و پایگاه هوایی العدید در قطر تقسیم نمود. این پایگاه نظامی واقع در دوحه قطر با ظرفیت 11 هزار نیرو تعدادی بمب افکن وظیفه هلی برد هواپیماهای آمریکایی در جنگ افغانستان را به عهده داشت.

آل ثانی قدرتی نوظهور در منطقه

در چنین شرایطی بود که آل ثانی از جایگاه ویژه ای در منطقه برخوردار شد و اساسا ماموریت جدیدی در منطقه برای خود متصور بود. خاندان سلطنتی آل ثانی با حکمرانی در کشور کوچک اما ثروتمند قطر به منابع سرشار نفت و گاز دست یافتند که این مسئله قدرت قطر را رو به فزونی می برد. امروز قطر با بهره گیری از ظرفیت های اقتصادی خود بر خلاف کوچکی درآمد سرانه خارجی خود را به 132 هزار دلار رسانده و در منطقه رتبه اول را به خود اختصاص داده است.

اما خاندان آل ثانی به این وضعیت مطلوب بسنده نکرد و با بهره گیری از ادوات، ابزار آلات مختلف تلاش دارد در منطق و جهان نقش آفرینی مضاعفی در صحنه های بین المللی داشته باشد.

قطر به دنبال تثبیت هویت صلح گرایانه در جهان

یکی از این ابزار ها شبکه اطلاع رسانی الجزیره است. آنها با سازماندهی پرنسل شبکه بی بی سی در الجزیره سعی دارند نگاه دنیا را نسبت به قطر تغییر دهند. اما قطری ها همچنان به شرایط موجود اکتفا نمی کنند. برگزاری و میزبانی بیش از 115 برنامه ورزشی نظیر فوتبال تنیس والیبال و... این کشور را همواره در کانون توجهات سیاسی اقتصادی و ورزشی قرار داده است.

بعلاوه آنها با راه اندازی شبکه عظیم هواپیمایی 5 ستاره قطر ایرویز با بهرمندی از 160 هواپیمای سیویل به قطب حمل و نقل هوایی دنیا تبدیل شده است.

پس قطری ها با فراهم کردن زیر ساخت راه توسعه خود را بیش از گذشته همواره نموده اند به تعبیری دیگر قطر با ابراز رسانه حمل و نقل و منابع مالی سرشار خود را وارد نظام بین الملل کرد و طبیعی است افزایش قدرت دوحه با توجه به مولفه هایی که به آن اشاره شد به هیچ روی مورد خوشایند حاکمان ریاض نیست.

قطر، بیداری اسلامی و حزب الله

در آغاز جنگ 33 روزه حزب الله لبنان با رژیم صهیونیستی سعودی ها بسیار تلاش کردند با هدایت جریان سعد حریری (بعد از کشته شدن پدر) زمام امور را بدست گرفته تا جریان حزب الله را تضعیف کنند. در چنین شرایطی ما شاهد همراهی قطری ها با جمهوری اسلامی ایران در حمایت از جبهه حزب الله هستیم.

در جنگ 22 روزه، 8 روزه غزه هم به همین ترتیب دولت قطر در حمایت از مردم بی دفاع غزه همسو بود. توضیح اینکه قطری ها با سرمایه گذاری بیش از 600 میلیون دلار به بازسازی جنوب لبنان کمک کردند که این از دیگر نقاط اشتراک تهران و دوحه

محسوب می‌گردد.

با بروز پدیده بیداری اسلامی در منطقه نوعی تغییر نگرش در ساختار سیاسی قطر بوقوع پیوست. پیش از آغاز بیداری اسلامی همراهی قابل توجه‌ای بین ریاض و دوحه در مسایل مختلف منطقه وجود داشت اما حضور علمای برجسته دینی در قالب اتحادیه علمای بزرگ در قطر مانع از آن شد تا این کشور در بحث بیداری اسلامی با عربستان دارای مواضع یکسانی باشد.

سایه خفیف شیخوخیت ریاض بر سر اعراب منطقه

قطر با سازماندهی اتحادیه علمای بزرگ در کشورهای اسلامی تلاش کرد خود را از زیر یوغ شیخوخیت عربستان که برخی کشورهای منطقه را گرفتار خود کرده خارج کند. در طول سال‌های گذشته عربستان به واسطه وجود حرمین و سرمایه عظیم نفتی همواره نوعی نگاه تحقیر آمیز به دول عرب داشته و از دیر باز یک نقش محوری و پدیری برای آنها ایفا نموده است ولی قطر اولین کشوری بود که اعتراض به جریان شیخوخیت عربستان را به منصفه ظهور نشانده.

تقسیم کار شورای همکاری خلیج فارس در بیداری اسلامی

در جریان بیداری اسلامی قطر به سمت برخورد با لیبی و مصر هدایت می‌شود، عربستان را در یمن زمین گیر می‌کنند و از طرفی عربستان با اشغال بحرین (به بهانه حمایت از آل خلیفه در برابر خیزش مردمی) کاملاً در ورطه سقوط گرفتار آمد.

صادرات دموکراسی به روش آمریکاییها

قبل از به راه افتادن موج بیداری اسلامی در بین مردم منطقه، در حدود 10 سال پیش خانم کاندولیزا رایس وزیر خارجه وقت آمریکا در ترکیه طی سخنانی ابراز داشت، دیگر وقت رسیدن دموکراسی به کشورهای حاشیه خلیج فارس فرا رسیده که این جمله خشم مقامات آل سعود را برانگیخت.

فصلی جدید در اصلاحات منطقه

در جریان اعتراضات کشورهای قطر- عمان- کویت بود که این دولت‌ها سعی کردند با ارایه خدمات اجتماعی، بهبود وضعیت معیشتی فقرا و رسیدگی به وضعیت هویتی برخی از اتباع بیگانه و صدور شناسنامه برای آنها تلاش کردند تا اندازه‌ای شرایط گذشته را تعدیل و بهبود دهند که در این میان قطر پیشتاز بود.

این کشور حقوق نظامیان را به 160 درصد افزایش داد، در مرحله بعد دستمزد دیپلمات‌ها را تا سه برابر اضافه کرد و به مردم قول برگزاری انتخابات شوراها را داد. کشور قطر دارای یک مجلس مشورتی 38 نفره بود که بعدها آن را به 57 عضو ارتقا بخشید. جالب اینکه در این مجلس تعدادی از ذی نفوذان شیعی هم حضور دارند.

میانجی گری قطر در صحنه تحولات

در مجموع قطری‌ها در جریان بیداری اسلامی با هوشیاری خاصی قدم به عرصه تحولات گذاشتند. بطور نمونه به نا آرامی‌های سودان ورود پیدا کردند و با رایزنی با معترضان در ایجاد صلح و آرامش در دارفور همت گماردند که این موضوع به برگ برنده قطر در تعاملات سیاسی تبدیل شد.

بطور کلی قطر درصدد است با این اقدامات به دنیا بگوید همواره در جهت استقرار صلح و آرامش گام بر می‌دارد. قطر در سایر تحولات منطقه هم نقش آفرینی داشته است. مقامات دوحه بعد از گسترش نا آرامی‌ها با شیخ علی سلمان ارتباط گرفتند تا اوضاع آرام شود. در نا آرامی‌های مصر و 40 روز مانده به برکناری حسنی مبارک وی را به قطر دعوت کردند و این در حالی بود که حسنی مبارک در 9 سال گذشته به قطر سفری نداشته بود.

با روی کار آمدن محمد مرسى در مصر، زمانی که قرار بود وی در اجلاس غیر متعهدها در تهران شرکت کند و ریاست را به ما تحویل دهد صحبت‌هایی از حضور مقامات مصر در سطح وزیر خارجه یا معاون رییس جمهور بود، از اعضای شورای خلیج فارس تنها قطر با 57 نماینده در تهران حضور پیدا کرد.

آقای سهرابی در حال حاضر در چه زمینه هایی با قطر اختلاف نظر داریم؟

به رغم اینکه ما در موضع سوریه با قطر در تعارض هستیم اما آن‌ها از ایران بخاطر عدم دخالت در امور کشورها و کمک به مردمان ستمدیده، به نیکی یاد می‌کنند. در بسیاری از ملاقات‌ها امیر قطر با صراحت به بنده چنین موضوعی را گوشزد نموده‌اند که تحت هیچ شرایطی حاضر نیستند با ایران روابط غیر سازنده‌ای داشته باشند.

اما شاید تا همین چند وقت پیش کسی فکر نمی‌کرد قطر اینگونه مورد تاخت و تاز همسایگان خود قرار گیرد. در این میان بجز کارشکنی‌های کشورهای هم‌چون امارات خود دولتمردان قطری هم مقصر بودند. در طول مناقشات سوریه قطر بیش از 28 میلیون دلار هزینه کرده و مشخصاً از جبهه تروریستی جبهه‌النصره حمایت همه جانبه داشته است. این همان نقطه آغاز اختلاف سیاست‌های قطر با جمهوری اسلامی ایران است.

نصیحت رهبری به امیر قطر

به یاد دارم در آخرین دیداری که امیر وقت قطر (پدر امیر فعلی در زمان سفارت بنده در قطر) با مقام معظم رهبری داشتند، وی به امام خامنه‌ای گفتند تا وی را نصیحتی کند. رهبری انقلاب به امیر قطر فرمودند؛ اعتماد خود را به قطر زیاد کنید. وقتی امیر قطر از اتاق بیرون آمدند بسیار به هم ریخته شدند و گفتند آقا جمله عجیبی گفتند. به هر حال اگر قطر نصایح رهبری را نصب العین خود قرار می‌دادند امروز شاید وضعیت بهتری (به لحاظ گرفتاری‌هایی که در حمایت از تروریسم بدان دچار شدند) داشتند.